

پایه:	۱۰	موضوع:	تفسیر
تاریخ:	۹۵/۰۵/۰۷	ساعت:	۱۶

نام کتاب: تفسیر المیزان، ج ۱۳، سوره مبارکه کف

لطفاً به همه سوالات تستی و ۸ سؤال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه به سؤال آخر نمره داده نمی‌شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

تستی

۱. طبق نظر مصنف، در آیه شریفه «وَلَا تَقُولَنَّ لِشَيْءٍ إِنِّي فَاعِلٌ ذَلِكَ عَدَاً * إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَادْخُرْ رَبَّكَ إِذَا نَسِيتَ...» مراد از «نسیان» چیست؟ **ا ۲۷۵**

- ا. نسیان استثناء ب. نسیان خداوند ج. نسیان نعمت‌ها د. نسیان آخرت

* «أَمَّا مَنْ ظَلَمَ فَسَوْفَ نُعَذِّبُهُ ... وَأَمَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُ جَزَاءُ الْحُسْنَىٰ»

۲. مراد از «ظلم» چیست؟ **د ۳۶۲**

- ا. شرک ب. کفر ج. کفر و عمل غیر صالح د. اعم از هر سه گزینه

* «وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَنْ يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَىٰ وَيَسْتَغْفِرُوا رَبَّهُمْ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمْ سُنَّةُ الْأَوَّلِينَ»

۳. مقصود از «سُنَّةُ الْأَوَّلِينَ» چیست؟ **ج ۳۳۲**

- ا. تکذیب انبیا ب. بعثت پیامبران ج. عذاب استیصال د. تبعیت از آباء و نیاکان

۴. اثر رحمت الهی در آیه شریفه «وَرَبُّكَ الْغَفُورُ ذُو الرَّحْمَةِ لَوْ يُؤَاخِذُهُمْ بِمَا كَسَبُوا لَاجَلَ لَّهُمُ الْعَذَابُ بَلْ لَهُمْ مَوْعِدٌ * (کهف/۵۸) چیست؟ **ج ۳۳۴**

- ا. رفع عذاب الهی ب. شمول رحمت الهی به جای عذاب ج. رفع فوریت عذاب د. دفع شمول عذاب نسبت به همه

تشریحی

* مکث کل انسان فی الدنيا و اشتغاله بزخارفها و زیناتها ذاهلاً عما سواها آیه تضاہی فی معناها آیه أصحاب الکهف و سیبعت الله الناس من هذه الرقدة
فما آیه أصحاب الکهف ببدع عجیب من بین الآیات بل هی متکررة جاریة ما جرت الأيام و اللیالی علی الإنسان. **۲۴۵**

۱. چرا خداوند متعال، قصه اصحاب کفہ را عجیب نمی‌داند و می‌فرماید: «أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكُهْفِ وَالرَّقِیمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا؟»

به دلیل اینکه این جریان در زندگی همه انسان‌ها تکرار می‌شود؛ چرا که مشغول به زخارف دنیا می‌شوند و وقتی از آنها سؤال می‌شود چه قدر در دنیا درنگ کردید می‌گویند یک روز یا بعضی آن. اصحاب کفہ هم بعد از سیصد سال خواب شبیه به همین مطلب را گفتند.

* «وَكَذَلِكَ أَغْرَيْنَا عَلَيْهِمَ لِيُعَلِّمُوا أَنْ وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا وَأَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا إِذْ يَتَنَزَّعُونَ مِنْهُمْ أَمْرُهُمْ»

۲. ا. تنازع بیان شده در آیه شریفه، بین چه کسانی و در چه موضوعی بوده است؟ **ب. مرجع سه ضمیر آخر را معین کنید. ۲۶۵**

ا. تنازع بین موحدین و مشرکین و در مورد رجوع ارواح به اجساد بعد البعث.

ب. مراد از ضمیر در «یتنازعون» و «بینهم» مردم هستند و مراد از ضمیر در «أمرهم» اصحاب کفہ.

* الظاهر فی قوله تعالی: «... إِنْ تَرَنِ أَنْتَ أَقْلَ مِنْكَ مَالًا وَوَلَدًا * فَعَسَىٰ ...» أن تكون «تَرَنِ» من الرأى بمعنى الاعتقاد فيكون من أفعال القلوب و «أنا» ضمير فصل متخلل بين مفعوليه الذين هما فى الأصل مبتدأ و خبر. و يمكن أن يكون من الرؤیة بمعنى الإبصار فأنا ضمير رفع أكد به مفعول «ترن» المحذوف من اللفظ.

۳. ا. مقصود از «مفعولین» چیست؟ **ب. بنابر دو وجه مذکور، آیه شریفه را معنی کنید. ۳۱۵**

ا. مفعول اول «ی» محذوف در «ترن» است و مفعول دوم «أقل».

ب. احتمال اول: اگر اعتقاد داری که من مال کمتری نسبت به تو دارم. احتمال دوم: اگر می‌بینی که من کمتر از تو مال دارم.

* ﴿وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ أَفَتَتَّخِذُونَهُ وَذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ بِئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا * مَا أَشْهَدْتُهُمْ خَلْقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَا خَلْقَ أَنْفُسِهِمْ وَمَا كُنْتُمْ مُتَخَذِينَ الْمُنْذِرِينَ عَصَدًا﴾

۴. موارد زیر را بیان کنید. ۳۲۷

أ. مرجع ضمیر در «أَشْهَدْتُهُمْ» و «أَنْفُسِهِمْ»:

هر دو به ابلیس و ذریه اش برمی گردد.

ب. معنای لغوی و کنایه «عَصَدًا»:

لغت: ما بین مرفق و کتف انسان. کنایه: استعاره از معین.

ج. دلیل نگفتن «شهدوا» به جای «أشهد»:

خداوند علی کل حال بر شیاطین مسلط است.

* القول المنسوب إليه تعالى في القرآن يستعمل في الوحي النبوي و في الإبلاغ بواسطة الوحي و يستعمل في الإلهام الذي ليس من النبوة و به يظهر قوله تعالى: ﴿قُلْنَا يَا ذَا الْقُرْنَيْنِ﴾ لا يدل على كونه نبياً يوحى إليه لكون قوله تعالى أعم من الوحي المختص بالنبوة. ۳۶۱

۵. أ. سه قسم مذکور در عبارت و مقسم آنها را بیان کنید. ب. آیا جمله «قُلْنَا يَا ذَا الْقُرْنَيْنِ» دلالت دارد که به ذی القرنین وحی شده است؟ چرا؟

أ. مقسم، ماده قول در قرآن کریم است که به خداوند نسبت داده شده است. اقسام: وحی نبوی - ابلاغ به واسطه وحی - الهامی که وحی نیست. ب. خیر؛ زیرا «قُلْنَا يَا ذَا الْقُرْنَيْنِ» با ماده قول آمده است و گفتیم که قول اعم از وحی است؛ پس دلالتی بر وحی در آیه وجود ندارد.

* ﴿وَتَرَكْنَا بَعْضَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَمُوجُ فِي بَعْضٍ﴾ و المراد أنهم يضطربون يومئذ من شدة الهول اضطراب البحر باندفاع بعضه إلى بعض فيرتفع من بينهم النظم و يحكم فيهم الهرج و المرج و يعرض عنهم ربهم فلا يشملهم برحمته و لا يصلح شأنهم بعنایتة. ۳۶۶

۶. منظور از «تَرَكَ» چیست؟ ب. چرا تعبیر «يَمُوجُ» به کار رفته است؟

أ. منظور این است که پروردگارش از آنها اعراض می کند و رحمتش شامل آنها که دچار هرج و مرج شده اند نمی شود.

ب. آنها از شدت ترس در روز قیامت همانند دریا مضطرب می شوند و نظم بین آنها از بین می رود و هرج و مرج حاکم می گردد.

* قوله تعالى: ﴿قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا﴾ * الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا﴾ ثم إن الإنسان إن ركب طريق الحق و أصاب الغرض و هو حق السعادة فهو و إن أخطأ الطريق و هو يعلم بخطئه فهو خاسر سعيًا لكنه مرجو النجاة و إن أخطأ الطريق و أصاب غير الحق و سكن إليه فهو أخسر عملاً. ۳۹۹

۷. ضمن بیان سه گروه مذکور، «أَخْسَرِينَ أَعْمَالًا» چه تفاوتی با دو گروه دیگر دارند؟

گروه اول به واقع اصابت می کند. گروه دوم به واقع اصابت نمی کند اما احتمال خطا می دهد و امید اصلاح وجود دارد. اما گروه سوم که همان «اخرین اعمالا» هستند نه به واقع اصابت می کنند و نه حاضرند احتمال خطا را بپذیرند؛ لذا امید اصلاح برای آنها وجود ندارد.

* ﴿قُلْ لَوْ كَانُ الْجَزْمُ مَادًّا الْكَلِمَاتِ رَبِّي﴾ من المعلوم أنه تعالى لا يتكلم بشق النعم و إنما قوله فعلة و ما يفيضه من وجود و إنما تسمى كلمة لكونها آية دالة عليه تعالى و من هنا سمى المسيح كلمة. ۴۰۴

۸. مصنف کدام معنی را در مورد «کلمه» نفی می کند و کدام معنی را برمی گزیند؟ دلیل هر یک را بنویسید.

منظور از «کلمه» سخن نیست که از دهان خارج می شود؛ زیرا خداوند متعال «کلمه» به این معنی ندارد. «کلمه» خداوند به معنای فعل اوست و آنچه ایجاد می کند. به این دلیل افعال و مخلوقات خداوند کلمه نامیده می شوند که همانند کلمه که دال بر یک معنی است اینها بر وجود خداوند متعال دلالت می کنند.

* فی قوله تعالى: ﴿فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا﴾ رَبِّ الْأَخْذِ بِالَّذِينَ عَلَى رَجَاءِ الْمَعَادِ دُونَ الْقَطْعِ بِهِ لِأَنَّ احْتِمَالَهُ كَافٍ فِي وَجوبِ التَّحْذِرِ مِنْهُ.

۹. عبارت «لأن احتمالاً...» دلیل بر چیست و به کدام قاعده عقلی اشاره دارد؟ ۴۰۶

دلیل است بر اینکه چرا دینداری را بر امید مترتب کرده است نه قطع - اشاره به دفع ضرر محتمل.